

مبانی سیاسی جامعه تمدن ساز در گام دوم انقلاب اسلامی

در بُعد تربیت کارگزاران از دیدگاه نهج البلاغه

حمیدرضا قاسمی*^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

چکیده: یکی از عوامل اصلی در ایجاد و شکل‌گیری هر تمدنی نیروهای مستعد و آزموده در هر تمدنی است که به منزله بازوی پرتوان در تحقق اهداف بلند آن تمدن است و تمدن اسلامی در یک حکومت دینی، از منظر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) کارگزاران هستند. اگر کارگزاران حکومت اسلامی، انسان‌های پاک‌دامن و با تقوا و باتربیت باشند و دارای شرایط ایده‌آلی که حضرت دستور می‌دهند باشند، مهم‌ترین اصل تمدن اسلامی در جامعه شکل خواهد گرفت. برای رسیدن به این هدف، توجه به گام دوم انقلاب بسیار ضروری است. از منظر رهبر معظم انقلاب گام دوم انقلاب، ورود به دومین مرحله خودسازی و تمدن‌سازی می‌باشد. چنانچه رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم بدان تأکید ورزیده‌اند و از عوامل اصلی شکل‌دهی تمدن اسلامی در گام دوم انقلاب را کارگزاران می‌دانند که باید کارگزارانی درستکار و انقلابی روی کار بیایند تا بر مشکلات غلبه کنند.

واژگان اصلی: نهج البلاغه، تربیت، سیاسی، مبانی، تمدن، انقلاب اسلامی.

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، تاکستان، قزوین، ایران (نویسنده مسؤل).

مقدمه:

بررسی سیر تحولات جوامع و تمدن‌ها از شکل‌گیری تا زوال آن‌ها نشان می‌دهد که جوامع در درون خود مدام در حال تغییر و دگرگونی هستند و بر اساس همین دگرگونی‌هاست که پویایی جامعه تحقق می‌یابد. در این فرآیند مسائل و مشکلاتی وجود دارد که جامعه را از رسیدن به اهدافش باز می‌دارد و سبب پیدایش تعارض و تناقض در جامعه می‌شود و ساختار اجتماعی را به شدت تهدید می‌کند. حال شکوفایی یک تمدن نیاز به اجرا شدن قوانینی در جامعه دارد. اجرا کننده این قوانین در جامعه کارگزاران هستند. برای درست اجرا شدن قوانین و منحرف نشدن جامعه از اهداف اصلی‌اش، کارگزاران باید دارای ویژگی‌هایی باشند و در انجام وظایف خود در آن مسئولیت کوتاهی نکنند و از اختیارات و قدرت خود سوء استفاده نکنند. حال این ویژگی‌ها و وظایف و نحوه استفاده از اختیارات کارگزاران را امیرالمومنین علی (علیه السلام) در بیانات خود به صراحت بیان کرده‌اند. بر همین مبنای، برای بدست آمدن معیار درستی از یک کارگزار کامل در جامعه و به کار بردن آن در حکومت اسلامی، نیاز به بیان ویژگی‌ها و وظایف و اختیارات کارگزاران از دیدگاه امیرالمومنین علی (علیه السلام) می‌باشد. از مهم‌ترین اهداف این تحقیق بیان شاخص‌ها و معیارهای مدیران در حاکمیت دینی است و با توجه به الگوی دینی و علوی و روش حضرت علی (علیه السلام) در مورد جامعه دینی، بتوانیم الگویی تدوین و ترسیم نماییم تا نخبگان و کارگزاران بر پایه آن بتوانند مردم را در آن مسیر قرار دهند و تربیت کنند و معیار عمل و انتخاب مدیران کارآمد و متعهد گردد، تا در نهایت تمدن اسلامی در جامعه به وجود بیاید. کاربرد و فواید این تحقیق در این است که الگوی دقیقی از جامعه علوی توسط امیرالمومنین علی (علیه السلام) تعریف شود و تمامی نخبگان و مسئولین آن را با جامعه کنونی مقایسه کنند و ایرادات را برطرف کنند و جامعه و مردم را به سمت تمدن اسلامی هدایت کنند. کاربرد دوم این است که با الگویی که امیرالمومنین معرفی می‌کند، می‌توان مسئولین بی‌کفایت و ناکارآمد را شناسایی کرد و با استفاده از این الگو می‌توان مسئولین شایسته را سرکار گذاشت.

در رابطه با این موضوع مقالاتی تدوین شده است، مثل اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها، نقش مردم و جامعه نخبگان در شکل‌گیری تمدن اسلامی و... ولی ویژگی اصلی این تحقیق که در مقالات دیگر کمتر به آن اشاره شده است توجه به روش حضرت علی (علیه السلام) در مورد تمدن دینی و ریشه‌های سیاسی آن و نقش کارگزاران و نخبگان به طور ویژه در این امر می‌باشد. ویژگی دوم،

تطبیق این روش و الگو در جامعه کنونی و ارزیابی عملکرد مسئولین و نخبگان در جامعه می باشد تا ببینیم چه مقدار به راه و روشی که مورد نظر امیرالمومنین است، نزدیک هستیم؟

تعریف تمدن اسلامی:

تعاریف تمدن اسلامی: پیش از تعریف تمدن اسلامی، توجه به این موضوع لازم است که در تقسیم بندی‌هایی که از ادیان جهانی می‌شود، اسلام در زمره ادیان تمدن‌ساز قرار می‌گیرد. گرچه ارائه تعریفی دقیق و جامع از تمدن دشوار می‌باشد، ولی قدر مسلم این است که هر تمدنی بر پایه دو نظام، یکی ارزشی و دیگری اجرایی استوار است. نظام ارزشی اعم از ارزش‌های فردی و اجتماعی در بردارنده همه جنبه‌های تربیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. مطالعه تعالیم اسلامی به خوبی نشان می‌دهد که دین اسلام به هر دوی این نظام‌ها التفات داشته است؛ زیرا از سویی، همه ارزش‌های فردی و اجتماعی را تعریف کرده و از سوی دیگر، پایبندی به آنها را از پیروانش خواسته که در چارچوب آنها استعدادهای انسانی شکوفایی می‌گردد؛ خیر فراگیر و شر منکوب می‌شود؛ عدالت گسترده می‌شود و بی‌عدالتی و ستمگری از جامعه رخت برمی‌بندد. (حسینیائی، ۱۳۹۶، صص ۶۲۲ - ۶۲۱) از منظر امام خمینی (ره) جامعه متمدن اسلامی باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

الف. از لحاظ اعتقادی، اندیشه الهی بر جامعه حاکم است؛ وحی یکی از منابع مهم معرفتی به شمار می‌رود. در همین زمینه، عقل نیز جایگاه شایسته‌ای دارد؛ هم فراتر از وحی دانستن آن مردود است و هم نادیده گرفتن کلی آن؛ چنان‌که اهتمام به سطحی از عقل و غفلت از سایر سطوح آن نیز پذیرفته نیست.

ب. از لحاظ رفتاری، در جامعه متمدن اسلامی مردمانی زندگی می‌کنند که برخی از ویژگی‌های آنان عبارتند از: وظیفه‌شناسی، پرکاری، مسئولیت‌پذیری، همکاری و رقابت در امور خیر. به طور کلی، فضایل اخلاقی بر جامعه حاکم است.

ج. از لحاظ امکانات رفاهی، کلیه افراد جامعه از رفاه نسبی برخوردارند. توزیع ثروت به صورت عادلانه و بر اساس لیاقت‌هاست. «آنچه خدا از (اموال و زمین‌های) اهل آن آبادی‌ها به پیامبرش داد اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر (ص) و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند.» «ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فليله وللرسول ولذی القرى والیتامی والمساکین وابن السبیل کی لا یكون ذولاً بین الأغنیاء منکم.» حشر: ۵۹، آیه ۷

مالکیت خصوصی در چارچوب مقررات شرعی محترم است، اما سرمایه مالاک برتری و احراز مناصب و گزینش عمال و کارگزاران نیست.

د. از بعد نظام سیاسی، در جامعه متمدن اسلامی نظامی حاکم است که مهم‌ترین ویژگی آن الهی بودن آن است. کارگزاران خود را خدمتگزار مردم می‌دانند؛ از استبداد و خودرأیی ابا دارند؛ نگاه آنان به قدرت، نگاه امانتی است نه نگاه طعمه‌ای. قدرت را وسیله خدمت می‌دانند نه وسیله جلب منافع شخصی. (امام خمینی (ره)، ۱۳۲۲، ص ۲۷۲).

۲- در اندیشه رهبر معظم انقلاب تمدن اسلامی آن فضایی است که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. (حسینیانی، ۱۳۹۶، ص ۶۲۱، ۶۲۲)

با توجه به تعاریف امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای، مهم‌ترین رکن تمدن اسلامی توحید است، تمدن اسلامی با تکیه به توحید شکل گرفته و پایدار است و هر روز به رشد و شکوفایی خود ادامه می‌دهد. بعضی نظریه پردازان غربی در دنیای امروز چند تمدن خاص را حاکم بر دنیا میدانند که بزرگترین آنها تمدن اسلام و تمدن غرب است اما همانطور که مشخص است این دو تمدن منحط به مرزهای خطی نیستند که مثل خاکی که کشور منحصر به یک کشور باشند. در دنیای متمدن امروز که بزرگترین تمدن‌های آن فرامرزی هستند بدون جنگ و خونریزی وارد هر سرزمین که شرایط لازم را برای پذیرایی از تمدن مورد نظر خود داشته باشند، می‌شوند و قابلیت انتقال و الگوپذیری و الگودهی را در تمامی ارکان تشکیل دهنده تمدن دارند. پس می‌توان از این فرصت استفاده کامل کرد و تمدن اسلام را در سرتاسر عالم گسترش داد.

بررسی جامعه تمدن ساز در بُعد کارگزاری

بعد اول: بررسی سیاسی جامعه تمدن ساز در بُعد شرایط کارگزاری در نهج البلاغه

یکی از عوامل مهم و اساسی در ثبات و کارایی نظام‌های سیاسی، مسئله صلاحیت و کارآمدی کارگزاران و مدیران است. بررسی سیستم‌های اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف جهان به خوبی نشان می‌دهد که نقش مدیران و کارگزاران صالح در پیشبرد اهداف حکومت‌ها تا چه حد منشأ اثر بوده است. نکته حائز اهمیت در این زمینه آن است که هر نظام حکومتی بدون توجه به نقش کارگزاران صالح و مدیر نخواهد توانست در نیل به اهداف، از خود کارآمدی نشان دهد و در این

راستا تفاوتی میان حکومت دینی و غیردینی یا لائیک وجود ندارد. یکی از الگوهای بسیار مناسب در جهت اثبات این مدعا، سیره امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در دوران زمامداری است که هم از باب سنت و هم از جهت مدیریت معقول می توان در آن دقیق شد و از آن بهره گرفت. در میان همه حکومت ها تاکنون هیچ حکومتی به مانند حکومت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نداده است. این واقعیت را می توان از نامه ها و خطبه های گوناگون حضرت به کارگزاران و والیان حکومتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و دینی جست و جو کرد؛ فرمان ها و دستوراتی که از جامعیت فوق العاده و بی نظیری برخوردار بود. (حسینی اصفهانی، ص ۸۷).

با توجه به مطالب گفته شده، در این بخش به بیان ملاک های گزینش کارگزاران از دیدگاه امیرالمومنین در نهج البلاغه و خصوصاً نامه ۵۳ (که توصیه نامه حضرت به مالک اشتر است) در ۳ بعد پیشنی، گرایشی و انگیزشی خواهیم پرداخت.

الف) ویژگی های پیشنی

۱- توجه به سوابق دینی و اخلاقی: تقوا در اصطلاح به معنای هر رفتاری که انسان را از گناه و بدیها و در نتیجه از عقاب خداوند حفظ کند، نوعی رفتار تقوا گرایانه است. تقوا برای هر مسلمانی لازم است ولی برای کارگزارانی که بخشی از جان و مال و ناموس مسلمین تحت کنترل آنهاست لازم تر و بایسته تر. درخصوص کارگزاران، آن حضرت تأکید خاصی نسبت به رعایت تقوا داشتند به گونه ای که میبینیم اولین وصیت به مالک اشتر در آغاز آن عهدنامه معروف، رعایت تقوای الهی است، و یا هنگام نصب محمد بن ابی بکر به ولایت مصر می فرماید: «بر تو سزاوار است که با هوای نفس خود مخالفت کنی» «فَأَنْتَ مَحْفُوقٌ أَنْ تُخَالَفَ عَلِيَّ نَفْسِكَ...»: (دشتی، ص ۵۱۱) و (موسوی زاده، ص ۸۹)

۲- خودسازی (تسلط بر هوای نفس): خودسازی در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به اهمیت خودسازی کارگزاران است که امام علی (علیه السلام) مالک اشتر را به رعایت تقوا، جهاد با نفس و کنترل شهوت، دعوت می کند. آن حضرت خطاب به مالک اشتر «او را به ترس از خدا فرمان می دهد، و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم بدارد، و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنت ها را پیروی کند... و به او فرمان می دهد تا نفس خود را از شهوات و آرزوها باز دارد، و به هنگام سرکشی رامش کند، که همانا نفس همواره به بدی وای می دارد جز آنکه خدا رحمت آورد... پس هوای نفس را کنترل کن.» «أَمْرَةٌ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَإِثَارِ طَاعَتِهِ، وَأَتْبَاعِ مَا أَمَرَهُ فِي كِتَابِهِ: مِنْ فَرَائِضِهِ

وَسُنِّيهِ أَلْتَى لَا يَسْتَعِدُّ أَحَدًا إِلَّا بِتَابِعِهَا، وَلَا يَشْقَى الْأَمْعَ جُودِهَا وَإِضَاعَتِهَا وَأَمْرَهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ، وَيَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ، فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ لِأَمَارِحِمَ اللَّهُ» (دشتی، ص ۵۶۷).

۳- بی‌اعتنایی به دنیا: امام علی (علیه السلام)، دل بستن به دنیا را منشأ همه خطاها می‌داند. آن حضرت (علیه السلام) بی‌اعتنایی به دنیا را در گفتار و رفتار نشان می‌دهند و همگان را بدان توصیه می‌کنند: «به خدا سوگند که این دنیای شما که به انواع حرام آلوده است، در نظر من از استخوان خوکی در دست شخصی جذامی که هیچ کس میلی به آن ندارد، پست تر و کم ارزش تر است.» (وَلِلَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَمْوَالٌ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خِزِيرٍ فِي يَدِ مَجْدُومٍ)؛ (دشتی، محمد، «ترجمه نهج البلاغه»، حکمت ۲۳۶، ص ۶۷۹).

۴- توجه به واجبات شرعی و عبادت: از دیگر مصادیق ویژگی کارگزاران از منظر امیرالمومنین، توجه مدام کارگزار و مسئول به مسئله اقامه نماز و انجام واجبات شرعی است، کارگزار با تمرین عملی عبادی خود و ویژگی تقوا را در خود تقویت نموده در اداره امور کشور از آن بهره‌گیرد. در این مورد در نامه ۵۳ به مالک اشتر چنین می‌گوید: «نیکوترین وقت ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن اگر چه همه وقت برای خداست، اگر نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشد. از کارهایی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی، انجام واجباتی است که ویژه پروردگار است پس در بخشی از شب و روز، وجود خود را به پرستش خدا اختصاص ده و آن چه تو را به خدا نزدیک می‌کند بی‌عیب و نقصان انجام ده، اگر چه دچار خستگی جسم شوی.» «وَأَجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِيتِ وَأَجْزَلَ تِلْكَ الْأَقْسَامِ، وَإِنْ كَانَتْ كُلُّهَا لِلَّهِ إِذَا صَلَّحَتْ فِيهَا النَّيَّةُ، وَسَلِمَتْ مِنْهَا الرَّعِيَّةُ. وَوَيْكُنْ فِي خَاصَّةٍ مَا تُخْلِصُ لِلَّهِ بِهِ دِينَكَ إِقَامَةُ فَرَائِضِهِ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةٌ، فَأَعْطِ اللَّهَ مِنْ بَدَنِكَ فِي لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ، وَوَقْتُ مَا تَقَرَّبْتَ بِهَا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ كَامِلًا غَيْرَ مَثْلُومٍ وَلَا مُتَّقُوصٍ، بِالْغَا مِنْ بَدَنِكَ مَا تَلَعُ»؛ (دشتی، ص ۵۸۵).

۷- سعه صدر: یکی از ویژگیها و صفات مهم کارگزاران از نگاه امیرالمومنین سعه صدر است، در اسلام به سعه صدر توجه شده است. چنانکه در قرآن در باره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: «أَيَا سِينَةَ رَأَى زِينَةَ نَبِيِّ اللَّهِ إِذَا صَلَّحَتْ فِيهَا النَّيَّةُ، وَسَلِمَتْ مِنْهَا الرَّعِيَّةُ. وَوَيْكُنْ فِي خَاصَّةٍ مَا تُخْلِصُ لِلَّهِ بِهِ دِينَكَ إِقَامَةُ فَرَائِضِهِ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةٌ، فَأَعْطِ اللَّهَ مِنْ بَدَنِكَ فِي لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ، وَوَقْتُ مَا تَقَرَّبْتَ بِهَا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ كَامِلًا غَيْرَ مَثْلُومٍ وَلَا مُتَّقُوصٍ، بِالْغَا مِنْ بَدَنِكَ مَا تَلَعُ»؛ (دشتی، ص ۵۸۵).

۸- مشورت: در جامعه امروز بشری مشورت و بهره‌گیری از تجربیات و افکار دیگران یک

اصل پذیرفته شده می باشد. بر اساس این دلیل است که مشورت و بهره‌گیری از تجربیات دیگران یکی از ویژگی‌های مهم کارگزاران از دیدگاه امیرالمومنین علی (علیه السلام) معرفی شده است. با توجه به اهمیت مشورت است که امام علی (علیه السلام) یکی از وظایف مالک‌اشتر را مشورت بیان کرده است. آن حضرت مالک‌اشتر را به همنشینی و مذاکره با علما و حکیمان اسلامی امر می‌کند: «با دانشمندان و حکیمان، زیاد به بحث و مذاکره‌نشین، تا مصالح کشور را تثبیت کنی و اصول پایداری یک ملت را قوام بخشی». «وَ أَكْثِرْ مَدَارَسَةَ الْعُلَمَاءِ، وَ مَنَافَتَةَ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِلَادِكَ، وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ»: (دشتی، ص ۵۷۳).

۹- طرد چاپلوس و سخن چین: یکی از ویژگی‌های مهم کارگزاران طرد سخن چین و بدگو می باشد و اگر مدیری به این سخن چینی‌ها اهمیت دهد و بدون توجه به صحت و سقم آنها، اقدام به تصمیم‌گیری نماید، ممکن است عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد. حضرت علی (علیه السلام) در نامه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرز دهنده ظاهر می‌شود اما خیانتکار است». «وَ لَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ، فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٌّ وَ إِنْ تَشَبَهَ بِالنَّاصِحِينَ»: (دشتی، ص ۵۷۱).

۱۰- نظم: یکی از ویژگی‌های مهم کارگزاران از دیدگاه امیرالمومنین، نظم است. مدیر و کارگزاری که امور خود را بر مبنای برنامه‌ای مشخص و دقیق تنظیم نکند پس از مدتی با انبوهی از کارهای عقب افتاده مواجه می‌شود و در نتیجه در انجام وظایف خود شکست می‌خورد و مملکت اسلامی را از اهدافش دور می‌کند. امیر مؤمنان (علیه السلام) مالک را به نظم دعوت کرده می‌فرماید: «کار هر روز را در همان روز انجام بده چرا که هر روز کاری مخصوص خود دارد». «وَ أَمِضْ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ، فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ»: (دشتی، ص ۵۸۵).

۱۱- مشتاق و داوطلب بودن: کارگزار مطلوب اسلامی، مشتاقانه، آگاهانه، داوطلبانه، با انگیزه مقدس و بر اساس برنامه‌ای مشخص، کارها را پیش می‌برد. نیروی مطلوب انسانی و اسلامی، نیروی بخشنامه‌ای و یا نیروی حقوق‌بگیر و مزدبگیر رایج و متعارف نیست. نه اینکه حقوق‌نگیرد و یا به بخشنامه عمل نکند، بلکه به مسئولیتش به عنوان کار و کاسبی نگاه نمی‌کند؛ زیرا معتقد است که زندگی خواهد گذشت، اما آنچه اهمیت دارد، ادای تکلیف است. (پور طهماسب، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

ب) ویژگی‌های انگیزشی

۱- توانایی، تخصص، سیاست: یکی از مهمترین ملاکهای انتخاب کارگزاران در حکومت اسلامی به

نظر امام علی (علیه السلام) افزون بر ویژگیهای فردی و کمالات نفسانی، داشتن تخصص و مهارت لازم در انجام وظیفه مربوطه است. یعنی کارگزار بر اثر برخورداری از علم و دانش مورد نیاز در حوزه کاری خود، بتواند مأموریت محوله را به بهترین وجه به سرانجام برساند. همچنین برحسب نوع مسئولیتی که به افراد سپرده می‌شود، به صفت اخلاقی مربوط به آن نیز باید توجه شود؛ برای مثال، اگر به کسی مسئولیتی داده می‌شود که بیشتر با مردم سروکار دارد، باید حسن خلق و مردم‌داری او بر سایر صفات وی بچربد، و اگر عهده دار بیت المال است، باید در صداقت و امانت‌داری مشهور باشد. اینها نکات ظریفی هستند که در هسته‌گزینش باید به آنها توجه شود تا بر حرکت و فعل و انفعالات یک نظام، هماهنگی کامل حکمفرما شود. (واتقی، صص ۵۵-۵۴).

همچنین از منظر امیرالمومنین یکی از مصادیق زیرکی و تخصص کارگزار، تشخیص زمان انجام هر کاری است؛ امام علی (علیه السلام) در این زمینه به مالک اشتر می‌فرماید: «بپرهیز از کارهایی که وقت انجام دادنشان نرسیده است و از اهمال‌گری کارهایی که وقت انجام دادنشان فرا رسیده است، از لجاجت کردن در اموری که مبهم است و از سستی نمودن در کارها آن هنگام که راه عمل روشن شده است. پس هر امری را در جای خویش قرار ده و هر کاری را به موقع خود به انجام رسان.» (وَأَيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا، أَوِ التَّسْقُطَ فِيهَا عِنْدَ امْتِكَانِهَا، أَوِ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ، أَوِ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ. فَضَعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ، وَأَوْقِعْ كُلَّ عَمَلٍ مَوْقِعَهُ): (دشتی، ص ۵۶۷).

۲- لیاقت: یکی دیگر از ویژگی‌های کارگزاران از منظر حضرت علی (علیه السلام)، توجه به لیاقت و اولویت‌ها درخصوص انتخاب کارگزاران است. روابط نباید هیچ‌گاه جای ضوابط را بگیرد و لیاقت‌ها و شایستگی‌ها قربانی دوستی‌ها و مسائل خویشاوندی شود. باید شایسته‌سالاری در اولویت‌ها باشد. حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر می‌فرماید: «سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش، به کارشان بگمار، و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای گوناگون وادار نکن، زیرا این نوعی ستمگری و خیانت است.» (ثُمَّ أَنْظِرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ، فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا، وَلَا تُؤَلِّمِهِمْ مُحَابَاةً وَآثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ): (دشتی، ص ۵۷۷).

۳- تناسب تخصص با مسئولیت: حضرت یوسف زمانی که خود را برای مسئولیت‌خانه‌داری معرفی کرد، به دو ویژگی خود که متناسب با این مسئولیت هستند، یعنی امانت‌داری و آگاهی، اشاره کرده و گفت: «مرا سرپرست (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم.» (إِجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ): (یوسف: ۱۲، آیه ۵۵) یکی دیگر از ملاک‌های انتخاب افراد برای پست‌های مختلف

تناسب ویژگی ها و تخصص های آنان با پست و مسئولیت مورد نظر است. عدم رعایت این شرط موجب هدر رفتن نیروها و ضایع شدن امکانات و یأس و ناامیدی متخصصان و ده ها آفت و آسیب روحی و اجتماعی دیگر خواهد شد، فرض کنید که اگر ریاست سازمان پزشکی کشور را به یک مهندس نمونه کشاورزی واگذار کنند، و یا بالعکس. (شریفی، ۲۰۸ - ۲۰۷).

۴- شناخت مردم: یکی دیگر از ویژگی های کارگزار، شناخت دقیق مردم و حفظ اسرار و پوشاندن عیوب و کاهش دشمنی و اختلافات آن ها می باشد که حاکم با سیاست باید افراد سخن چین و عیب جو را از دیگر افراد تشخیص دهد و در این وادی گرفتار نشود. در این مورد نیز امام علی (علیه عیب جو را از دیگر افراد تشخیص دهد و در این وادی گرفتار نشود. در این مورد نیز امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر می نویسد: «از رعیت آنان را که عیب جو ترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است. پس مبدا آن چه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آن چه هویدا است بپوشانی که داوری در مورد آن چه از تو پنهان است با خدای جهان است پس چندان که می توانی زشتی ها را بپوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا بر تو ببوشاند. گره هر کینه ای را در مردم بگشای و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن و از آن چه که در نظر روشن نیست کناره بگیر. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرز دهنده ظاهر می شود اما خیانتکار است.» «وَلْيَكُنْ أَبَعْدُ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ، وَاشْتَوْهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ، فَإِنَّ فِي النَّاسِ غُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سَرَّهَا، فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ، وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ. فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ، يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُجِبُ سَرَّهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ. أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حَقْدٍ، وَاقْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وِثْرِ، وَتَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَصِيحُّ لَكَ، وَلَا تَتَعَجَّلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ، فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٍ وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ»:

(دستی، صص ۵۷۱-۵۶۹).

۵- دارای همت والا و مقاوم در برابر مشکلات: یکی دیگر از ویژگی های کارگزاران از نگاه حضرت امیر، همت والا و تسلیم نشدن در برابر مشکلات است. حضرت علی (علیه السلام) در نامه خطاب به مالک اشتر می فرماید: «با بلند همتان بیوند.» «ثُمَّ الْأَصْقَ أَهْلَ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ وَالسَّخَاءِ وَالسَّمَاخَةِ»:

(دستی، ص: ۵۷۵).

۶- قاطعیت: از جمله ویژگیهای لازم و ضروری در کارگزاران و مدیران و زمامداران جوامع اسلامی، قاطعیت در مقام تصمیم گیری و اجراست. نقش و تأثیر جدی بودن مسؤولان جامعه در تمام ایام، به ویژه در حالات بحرانی و در مقابل آفات، و ضررهای شک و دودلی آنان، بر کسی پوشیده

نیست. امام علی (علیه السلام) درباره قاطعیت کارگزار معتقد است که: «خداوند، پیامبران را با عزم و اراده ای قوی، گرچه با ظاهری ساده و فقیر، مبعوث کرد، با قناعتی که دلها و چشمها را پر سازد». «وَلَكِنَّ اللَّهَ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولَى قُوَّةٍ فِي عَزَائِهِمْ وَضَعْفَهُ فِيمَا تَرَى الْأَعْيُنُ مِنْ حَالَتِهِمْ»: (دشتی، ۱۹۲، ص ۳۸۸).

۷- شجاعت: بی گمان، از جمله شرایط و اوصاف لازم کارگزاران و مدیران، شجاعت و نترس بودن در ارتباط با انجام دادن وظایف دینی و آنچه در قلمرو مسئولیت آنان قرار دارد، است. حضرت علی (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر، به او می فرماید: «به اهل شجاعت ببیوندد آنها را به عنوان کارگزار انتخاب نما». «ثُمَّ أَلْصِقْ بِذَوِي... الشُّجَاعَةَ»: (دشتی، ص: ۵۷۵).

ج) ویژگی های گرایش

۱- رابطه با مردم: یکی از ویژگیهای مهم کارگزاران از دیدگاه امیرالمومنین، مردمی بودن آنان است. اگر کارگزاری پایگاه مردمی بودن خود را از دست داد، قطعه شکست خواهد خورد. اگر کارگزاران در میان مردم نباشند و حقایق و مشکلات مردم را از زبان آنان نشوند؛ چطور می توانند، سیاستهای معقول و منطقی برای رفع مشکلات آنان اتخاذ کنند؟ امام علی (علیه السلام) خطاب به مالک اشتر می فرماید: «و برای حاجتمندان بخشی از اوقات خود را اختصاص ده و با آنان در مجمع عمومی بنشین، و برای خداوندی که تو را آفریده خضوع کن، و سپاهیان و پاسداران را از جمع آنان دور گردان تا آنها بدون پروا و هراس با تو صحبت کنند...» «وَ اجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفْرَعُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ، وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا، فَتَوَاضِعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَ تُقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ، حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَّعِنٍ»: (دشتی، ص: ۵۶۷) همچنین آن حضرت در همان نامه می فرماید: «... مبدا مدت طولانی از مردم فاصله بگیری، زیرا احتجاب حکام از مردم خود نوعی تنگنا و باعث بی اطلاعی از حقایق است و باعث بی اطلاعی مردم از واقعیت جریان کارها می شود، و این عدم آگاهی موجب تلبیس حق و باطل ... می گردد. حاکم، انسانی بیش نیست و حقایق را بدون ارتباط و مشاهده نمی تواند درک کند و واقعیتها که نشانه‌های مخصوص روی آنها نصب نشده است که راست و دروغ و صحت و سقم آنها را مشخص کند. تو با اینکه مرد عمل به حق هستی و از اعطای حق دریغ نداری در این صورت پس چرا از مردم فاصله می گیری؟...» «وَ أَمَّا بَعْدَ هَذَا، فَلَا تَطُولَنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّ احْتِجَابَ الْوَلَاءِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضَّيْقِ، وَ قَلَّةٌ عِلْمٍ بِالْأُمُورِ. وَ الْإِحْتِجَابُ مِنْهُمْ يَقْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا احْتَجَبُوا دُونَهُ، فَيَضْعُرُّ عِنْدَهُمُ الْكَبِيرُ، وَ يَعْظُمُ الصَّغِيرُ، وَ

يَقْبِضُ الْحَسَنُ، وَ يَحْسُنُ الْقَبِيحُ، وَيُشَابُّ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ... وَأَمَّا الْوَالِي بَشَرٌ لَا يَعْرِفُ مَا تَوَارَى عَنْهُ النَّاسُ بِهِ مِنَ الْأُمُورِ وَ كَيْسَتْ عَلَى الْحَقِّ سِمَاتٌ تُعْرَفُ بِهَا ضُرُوبُ الصِّدْقِ مِنَ الْكَذِبِ... امْرُؤٌ سَخَتْ نَفْسُكَ بِالْبَدْلِ فِي الْحَقِّ فَفِيمَ احْتِجَابِكَ مِنْ وَاجِبِ حَقِّ تَعْطِيهِ أَوْ فِعْلِ كَرِيمٍ تُسَدِّدِيهِ.....؟» (دشتی، ص ۵۸۵). (شرح مختصر نامه امیرالمومنین به مالک اشتر)، سایت مؤسسه تحقیقات نشر معارف اهل بیت).

۲- عدالت و ظلم ستیزی: ما وقتی به زندگی امیرالمومنین نگاه می کنیم، سراسر زندگی حضرت علی (علیه السلام) نشان دهنده اعتدال و اجرای عدالت در جامعه است. ظلم ستیزی ایشان و مبارزه با ستم و بیدادگری، چه در دوران حکومت و چه پیش از آن، از ویژگی های زندگی آن حضرت است؛ برخی دانشمندان و مورخان غربی، علت شکست حضرت در مقابل معاویه را همین عدالت می دانند و اینکه هیچ وقت از نیرنگ و فریب استفاده نکردند و همیشه به دنبال عدالت بودند، چنان که دوست و دشمن بدان معترفند. در این رابطه حضرت در جایی می فرمایند: «حق را برای هر کس که شایسته است از نزدیکان و بیگانگان اجرا کن و در انجام تکلیف، بردبار و شکیباش و در این مورد نسبت آنچه بر تو گران است جویای عاقبتش باش، که سرانجام رعایت حق پسندیده و نیکوست.» «وَأَلْزِمِ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ، وَ كُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، وَإِقْعًا ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ، وَ ابْتِغِ عَاقِبَتَهُ بِمَا يَنْتَقِلُ عَلَيْكَ مِنْهُ، فَإِنَّ مَعْبَةَ ذَلِكَ مَحْمُودَةٌ.» (دشتی، ص: ۵۸۷).

۳- انجام اعمال نیک: یکی دیگر از ویژگی های حاکم و کارگزار، انجام عمل نیک است و از جمله مصادیق آن کمک به مستمندان، فقرا و نیازمندان جامعه می باشد که امام علی (علیه السلام)، آن را از وظایف مستقیم حاکم و کارگزار می داند. امام علی (علیه السلام) یار و مددکار فقرا و محرومان بودند، امام در این مورد به مالک می فرمایند: «ای مالک در بعضی کارها باید مستقیماً خودت دخالت کنی؛ آن کارهایی که بدون واسطه باید خودت آن ها را انجام دهی یکی رسیدن به امور مستضعفان است. در گوشه و کنار این کشور اسلام، افرادی هستند معلول، یتیمانی هستند که پدرشان در جبهه کشته شده، بیوه زنانی هستند که بی سرپرست مانده اند و افرادی هستند که از کار افتاده اند. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند.» «أَتَمُّ اللَّهِ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسْكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسِ وَ الزَّمْنِ، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًّا. وَ أَحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَ قِسْمًا مِنْ

عَلَّاتٍ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى، وَكُلُّ قَدِاسْتُرِعِتْ حَقَّهُ، فَلَا يَشْغَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ، فَإِنَّكَ لَا تَعْدُرُ بِتَضْيِيعِكَ التَّافِهَةَ لِأَحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمَمِ، فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لَهُمْ، وَ تَفَقَّدْ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَفْتَحِمُهُ الْعُيُونُ، وَ تَحْقِرُهُ الرَّجَالُ:» (دشتی، ص ۵۷۵ و ۵۸۳).

۴- امانتداری: هر کس در هر پُست و مقامی که باشد، امانت دار مردم است و باید در حفظ امانت بکوشد؛ زیرا اموال، ناموس، حیثیت، شرف و بسیاری از مسائل حیاتی مردم نزد کارگزار دولت قرار داده شده و او مسئول نگهداری آنها است، حتی مقام و منصبی که به او واگذار شده، امانت است و از این روی، باید در ادای وظیفه اش تلاش کند. حضرت علی (علیه السلام) گذشته از اینکه خود نمونه کامل امانت داری در زمینه های گوناگون بودند، دیگران را نیز به رعایت امانت سفارش می کردند. (شرح مختصر نامه امیرالمومنین به مالک اشتر، سایت موسسه تحقیقات نشر معارف اهل بیت) امیرالمومنین در جایی دیگر درباره امانت الهی می فرماید: «کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته، و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده، و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود، و همانا بزرگ ترین خیانت، خیانت به مَلت و رسواترین دغلکاری، دغلبازی با امامان است.» (وَمِنْ اسْتِهَانٍ بِالْأَمَانَةِ وَ رَتَعٍ فِي الْخِيَانَةِ وَ لَمْ يُنْزَهُ نَفْسَهُ وَ دِيْنَهُ عَنْهَا فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ فِي الدُّنْيَا الذُّلَّ وَ الْحِزْيَ، وَ هُوَ فِي الْأُخْرَةِ أَذَلُّ وَ أَخْرَى. وَ إِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ، وَ أَفْظَعَ الْعِشِّ غِشُّ الْأَيْمَةِ:» (دشتی، محمد، «ترجمه نهج البلاغه»، نامه ۲۶، ص ۵۰۹).

۵- حق مداری: یکی دیگر از ویژگی های کارگزاران از نگاه حضرت امیر (علیه السلام) حق مداری است. امام علی (علیه السلام) هیچگاه بنابر مصلحت سنجیهای کوتاه بینانه حاضر نبود دست از حق بردارد و به باطل گراید. آن بزرگوار در رعایت حقوق مردم نه خود کوتاهی می کرد و نه به کارگزاران خویش چنین اجازه ای می داد. حضرت همگان را به رعایت حقوق متقابل دعوت می نمود و مخصوصاً کارگزاران خویش را، چنانکه به مالک اشتر می فرماید: «باید محبوبترین امور نزد تو میانه ترین آنان در حق باشد.» (وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ:» (دشتی، ص: ۵۶۸).

بعد دوّم: بررسی جامعه تمدن ساز در بُعد وظایف کارگزاری در نهج البلاغه
امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قسمت های زیادی از نهج البلاغه، ضمن بیان فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، وظایف حاکم را برمی شمارد. از جمله می فرماید: «خدایا! تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می خواستیم نشانه های حق و

دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستمدیده ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردند.» *«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَكَأَ التَّمَّاسِ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْخُطَامِ، وَ لَكِنْ لِيَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمُظْلَمُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ خُدُودِكَ»*: (دستی، ص: ۲۴۹).

اهم این اوصاف و معیارها از منظر امیرالمومنین علی (علیه السلام) در سه بعد بینشی، انگیزشی و گرایشی به قرار ذیل است:

الف) ویژگی های بینشی

۱- مهربانی با مردم: یکی از مهم ترین وظایف کارگزاران از نگاه امیرالمومنین مهربانی با مردم است. از نگاه حضرت حکومت وسیله ای برای رساندن مردم و جامعه به کمال و اهداف عالی انسانی الهی است و خود حکومت هیچ ارزشی ندارد. در نظام اسلامی، حاکمان و مدیران باید به مردم به عنوان ولی نعمت خود نگاه کنند. محبت به مردم در دیدگاه اسلامی، یعنی محبت به عیال خداوند، و برای محبوبیت در نزد خداوند بهترین راه این است که عیال او را دوست بداریم. این وظیفه تا آنجا اهمیت دارد که خداوند به پیامبرش دستور می دهد که (بال عطوفت خود را برای مومنان فرو گستر). و در آیه دیگری همه رمز موفقیت و پیروزی پیامبر اکرم (ص) را در محبت و مهربانی نسبت به مردم دانسته و می فرماید: «به برکت رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی، و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند.» *«فَبِمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِن تَأْتُوا بَشَرًا بَشِيرًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأُنْفُسُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»*: (آل عمران: ۳، آیه ۱۵۹)

۲- گسترش عدالت در جامعه: در اسلام، ظلم به دیگران مذموم است و همگان موظف به رعایت حقوق همدیگر و رفتار عادلانه هستند. در این بین، حاکمان و کارگزاران مسئولیت ویژه ای دارند؛ یعنی در رفتار با مردم باید به گونه ای باشند که هیچ ظلمی را روا ندارند و همواره در مسیر تحقق عدالت در همه شئون جامعه گام بردارند. امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان هاست، به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم در پوست جوی که از مورچه ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد.» *«وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلَاكُهَا عَلَيَّ أَنْ أُغْصِيَ اللَّهُ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ»*: (دستی، ص ۴۶۱) بنابراین، ارتکاب ظلم از هیچ کسی پذیرفته نیست و گناه بزرگی محسوب می شود. از این رو، حضرت علی (علیه السلام) مالک اشتر را

به رعایت انصاف و عدالت و پرهیز از ظلم و ستم فرمان می‌دهد. (فَلَا حَ سَلُو كَلَا بِي، ۱۳۸۴، ص: ۷).

۳- بخشیدن اشتباهات مردم در حقّ خود و پرهیز از انتقام جویی: یکی دیگر از وظایف کارگزاران از منظر امیرالمومنین بخشیدن اشتباهات مردم در حقّ خود و پرهیز از انتقام جویی است. این صفت ارتباط تنگاتنگی با سعه صدر و تحمّل دارد. حضرت علی (علیه السّلام) در این رابطه به مالک می‌فرماید: «از مردم گره هر کینه را بگشا و از خود رشته هر انتقام و بازخواستی را جدا کن». «أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حِقْدٍ، وَ أَقْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وَثْرٍ»: (دشتی، ص ۵۷۱).

۴- صداقت با مردم و قانون مداری با آن‌ها: در حوزه تعلیمات اسلام صداقت یکی از عناصر مهم ارزشی است. امام علی (علیه السّلام) در سیره عملی و نظری خود تأکید داشتند که حاکم و کارگزار باید با صراحت و صداقت با مردم برخورد نماید و براساس همین اخلاق سیاسی بود که چون آن حضرت زمام امور را در دست گرفت در نخستین خطبه حکومتی خود به مردم فرمود: «بِإِمْئَانٍ مِنْ بَدَانِجِهِ مِیْ گویم در گرو است و به درستی گفتارم متعهد و متکفلم» «ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةً، وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ»: (دشتی، ص ۵۹). امام علی (علیه السّلام) به خاطر عدم بهره‌گیری از اهرم نیرنگ در مسائل حکومتی بود که برخی تصوّر می‌کردند که معاویه از امام علی (علیه السّلام) سیاستمدارتر است. از این رو حضرت در جواب این تصوّر فرمود: «قسم به خدا معاویه از من سیاستمدار تر نیست ولی او نیرنگ می‌زند و مرتکب گناه می‌شود». «وَ اللَّهُ مَا مُعَاوِيَةَ بِأَذْهَى مِنِّي، وَ لَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَ يَفْجُرُ»: (دشتی، ص ۴۲۳) و در ادامه می‌فرماید: «اگر نیرنگ خصلت زشتی نبود من سیاستمدارترین مردم بودم...». «وَ لَوْ لَأَكْرَاهِيَهُ الْغَدْرَ لَكُنْتُ مِنْ أَذْهَى النَّاسِ...»: (دشتی، ص ۴۲۳).

۵- بردباری: از مهم‌ترین وظایف کارگزاران از نگاه حضرت امیر (علیه السّلام)، بردباری و صبر است. هرکس که در هر جایگاه و مسئولیتی از نظام حکومتی قرار می‌گیرد باید با بردباری و صبر تمام امور را پیش ببرد و در برابر خواست مردم و احتیاجات آنان کم‌حوصلگی نداشته باشد و با تحمّل فراوان خدمتگزار باشد. امام علی (علیه السّلام) در دستورالعمل‌های حکومتی و اداری خود، کارگزاران و کارکنان را به چنین بردباری‌ای فراخوانده است: «در برآوردن حاجت‌های مردم شکیبایی ورزید». «وَ اصْبِرْ وَ لِجَوَائِحِهِمْ...»: (دشتی، ص ۵۶۳).

۶- مسئولیت‌پذیری نسبت به مردم: از دیگر وظایف کارگزاران، مسئولیت‌پذیری نسبت به مردم است. حضرت در این رابطه خطاب به کارگزاران می‌فرماید: «از خدا بترسید در حق بندگانش و شهرهایش، زیرا شما مسئولید حتی در برابر سرزمین‌ها و چارپایان». «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ، فَإِنَّكُمْ

مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبُهَائِمِ»؛ (دشتی، ۳۲۱) همچنین امیرالمومنین علی (علیه السلام) در مورد مسئولیت پذیری و احتیاط در اعمال و رفتار و حَتَّىٰ كَفْتَارِ می فرمایند: «چیزی را که نمی دانی نگو، حَتَّىٰ بسیاری از چیزهایی را که می دانی، بر زبان نیاور. زیرا خدا بر اعضای تو احکامی واجب کرده است که در روز رستاخیز بدان اعضا بر تو حجت خواهد آورد». «لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كَلِمًا مَا تَعْلَمُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيَّ جَوَارِحَ كُلِّهَا فَرَأَيْضَ يَحْتَجُّ بِهَا عَلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (دشتی، ص ۷۲۳).

ب) ویژگی های انگیزی

۱- جمع آوری مالیات ها: یکی از وظایف عمده کارگزاران حکومت اسلامی جمع آوری مالیات هاست. حاکم و کارگزار برای اداره حکومت و جامعه و نیز تأمین نیازمندی های عمومی جامعه، نیاز به بودجه دارد. یکی از بهترین راههای تأمین بودجه، دریافت مالیات هاست. از این رو، امام علی (علیه السلام) اولین وظیفه حاکم را جمع آوری مالیات ها می داند و مالک اشتر را به جمع آوری آن امر می کند: «این فرمان بنده خدا، علی امیرمؤمنان، به مالک اشتر، پسر حارث، است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد». «هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْطَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلَّاهُ مِصْرًا، جَبَايَةَ خَرَاجِهَا...»؛ (دشتی، ص ۵۶۷). (فلاح سلوکلابی، ص ۴).

۲- جهاد با دشمنان: از دیگر وظایفی که امام برای مالک اشتر برمی شمارند جهاد با دشمنان است. دشمنان دین همواره در کمینند تا از هر فرصتی استفاده نمایند و ضربات خویش را بر پیکره حکومت اسلامی وارد کنند و آن را ناتوان نمایند. از این رو، همه مردم باید هوشیار باشند و در رأس همه، حاکم و کارگزاران، نقش و مسئولیت سنگین تری دارند. از این رو، می فرماید: «این فرمان بنده خدا، علی امیرمؤمنان، به مالک اشتر، پسر حارث، است در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی گزیند ... تا با دشمنانش نبرد کند». «هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْطَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلَّاهُ مِصْرًا... جِهَادَعَدُوِّهَا»؛ (دشتی، محمد، «ترجمه نهج البلاغه»، نامه ۵۳، ص ۵۶۷). (فلاح سلوکلابی، محمد، «سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی (علیه السلام)»، مجله معرفت، ۱۳۸۴، شماره ۹۳، ص ۵).

۳- محبت و دلسوزی نسبت به فقرا: یکی دیگر از وظایف کارگزاران نسبت به مردمان دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) کمک به فقرا و مستمندان است. امام علی (علیه السلام)، خود یار و مددکار فقرا و محرومان بود و در این راه از هیچ کمکی به فقرا دریغ نمی کرد، که این مورد اقرار

دوست و دشمن حضرت است. امام در این مورد خطاب به مالک می‌فرماید: «ای مالک! درباره طبقه پایین از مردم جامعه، که چاره‌ای ندارند و در فقر و تنگ‌دستی زندگی می‌کنند، خدا را فراموش نکن. آنها عبارتند از: بی‌نویان، نیازمندان، گرفتاران و زمین‌گیر شدگان. آنچه را که خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت‌المال و سهمی از غنایم خالص اسلامی هر شهر در نظر بگیر.» «ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الزَّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعاً وَ مُعْتَرِأً، وَ احْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْماً مِنْ بَيْتِ مَالِكَ»: (دشتی، ص ۵۸۳).

۴- تواضع نسبت به مردم: یکی دیگر از وظایف کارگزار حکومت اسلامی در دید امام علی (علیه السلام) تواضع نسبت به مردم است. باید کارگزار در برابر مردم فروتنی و تواضع داشته باشد. در این مورد امام علی (علیه السلام) به مالک اشر می‌فرماید: «بپرهیز که خود را در بزرگی همانند خداوند پنداری و در شکوه خداوندی همانند او دانی زیرا خداوند هر سرکشی را خوار می‌سازد، و هر خود پسندی را بی‌ارزش می‌کند. با خدا و با مردم، و با خویشاوندان نزدیک، و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی ستم روا داری، و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود، و آن را که خدا دشمن شود، دلیل او را نپذیرد، که با خدا سرچنگ دارد، تا آنگاه که باز گردد...» «إِيَّاكَ وَ مُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ وَ التَّشَبُّهِ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ يَذِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ، وَيُهَيِّنُ كُلَّ مُخْتَالٍ. أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ، وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّكَ إِلا تَفْعَلْ تَظْلِمُ، وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ، وَ مَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حُجَّتَهُ، وَ كَانَ لِلَّهِ حَرْباً حَتَّى يَنْزِعَ وَ يَتُوبَ»: (دشتی، ص ۵۶۹).

ج) ویژگی‌های گرایشی

۱- اصلاحات: یکی دیگر از وظایف حاکم در جامعه، انجام اصلاحات است؛ یعنی حاکم باید با ارشاد مردم و فراهم ساختن زمینه‌های تعلیم و تربیت و نیز مبارزه با انحرافات، زمینه اصلاحات را فراهم نماید. او باید با نظارت دقیق بر کار کارگزاران، هرگونه انحرافی را از بین ببرد و به اصلاح امور بپردازد. از این رو، امام در آغاز عهدنامه مالک اشر، به این مهم اشاره می‌کند و می‌فرماید: «این فرمان... هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می‌گزینند... که کار مردم را اصلاح کند.» «هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْطَرِّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلِّاهُ مِصْرَ ... اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا»:

(دشتی، ص ۵۶۷) و (فلاح سلوکلابی، ۱۳۸۴، ص ۵).

۲- عمران و آبادانی شهرها: عمران و آبادانی شهرها از قبیل آبادانی خانه‌ها (نوع ساخت و ساز)، خیابان‌ها، ساخت مدارس، حمام‌ها و احداث فضای سبز از دیگر وظایف حاکم و کارگزار اسلامی است. از این رو، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ابتدای نامه ۵۳ می‌فرماید: «... تا شهرهای مصر را آباد سازد». «... و عماره بلادها»: (دشتی، ص ۵۶۷).

همچنین در فراز دیگری از نامه ۵۳ نهج البلاغه، امام توجه تام و کامل به عمران و آبادانی را گوشزد کرده، و می‌فرماید: «باید تلاش تو در آبادانی زمین، بیش از جمع آوری خراج باشد. خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، بندگان خدا را نابود کند و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد...». «وَلْيَكُنْ نُظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَنْتَ مِنْ نُظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِإِنَّ ذَلِكَ لَا يَذْرُؤُكَ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ، وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بغيرِ عِمَارَةِ أَخْرَبَ الْأَبْلَادَ، وَاهْلَكَ الْعِبَادَ، وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهَا إِلَّا قَلِيلًا... فَإِنَّ الْعُمَرَانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ، وَإِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابَ الْأَرْضِ مِنْ إِغْوَاةِ أَهْلِهَا، وَإِنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلَهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَدَةِ عَلَى الْجَمْعِ، وَشَوْءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ، وَقَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعَبَسِ»: (دشتی، محمد، «ترجمه نهج البلاغه»، نامه ۵۳، ص ۵۷۹). (فلاح سلوکلابی، ۱۳۸۴، ص ۶).

۳- پرهیز از فاصله گرفتن از مردم و تجمل‌گرایی: یکی دیگر از وظایف کارگزاران پرهیز از فاصله گرفتن از مردم می‌باشد. امیرالمؤمنین در رابطه با در بین مردم بودن خطاب به مالک می‌فرماید: «و پاره‌ای از وقت خود را برای نیازمندان از خود قرارده که در آن وقت خویشتن را برای ایشان آماده ساخته، در مجلس عمومی بنشین». «وَتَجَلِّسْ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لَهُ الْذِي خَلَقَكَ»: (دشتی، ص ۵۸۳).

۴- پرهیز از منت‌گذاری و امتیاز بر مردم: امیرالمؤمنین در این مورد خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «و پرهیز از اینکه بر رعیت به نیکی که می‌کنی منت‌گذاری یا کاری که انجام می‌دهی بیش از آنچه هست در نظر آری، زیرا منت نهادن احسان را بی نتیجه می‌گرداند و کار را بیش از آنچه هست پنداشتن، نور حق را می‌زداید». «وَإِيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ، أَوْ التَّزَيُّدَ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ أَوْ أَنْ تَعْدَهُمْ فَتَسْبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ، فَإِنَّ الْمَنْ يَبْطُلُ الْإِحْسَانَ، وَالتَّزَيُّدَ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ»: (دشتی، ص ۵۸۹).

۵- مبارزه با فساد در جامعه: از دیگر وظایف کارگزاران مبارزه با فساد است. امیرالمؤمنین علی (علیه

السَّلام)، در جمله «پس بر تو است پاک کردن آنچه بر تو ظاهر شده است (پاک کردن فساد و فحشا)» «فَأِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ»: (دستی، ص ۵۶۹)؛ مالک را به مبارزه با مظاهر فساد و آلودگی و جلوگیری از فحشا و منکرات در جامعه فرامی‌خواند.

بعد سوّم: بررسی جامعه تمدّن ساز در بُعد اختیارات کارگزاری در نهج البلاغه کارگزاران حکومت اسلامی در حوزه مسئولیتشان دارای اختیاراتی هستند، که باید در جای مناسب خودشان استفاده کنند و از قدرت و اختیاراتشان برای منافع شخصی استفاده نکنند. در این فصل به مهمترین اختیارات کارگزاران و نحوه استفاده از آن، از نگاه امیرالمومنین در دو بعد بینشی و انگیزشی بررسی می‌شود.

الف) ویژگی‌های بینشی

۱- پیگیری: امور حکومتی و پیشبردن اهداف حاکمیتی جز با پیگیری جدی کارها تحقق نمی‌یابد و هر کاری نیازمند پیگیری جدی و تلاش اساسی است تا به نتیجه مطلوب برسد و بدون وجود روحیه پیگیری در کارها هیچ کاری به درستی صورت نمی‌پذیرد. امیرمؤمنان علی (علیه السَّلام) در فرمان‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی و اداری خود، کارگزاران و کارکنانش را به پیگیری امور سفارش کرده و از آنان خواسته است که در خدمتگزاری مردمان پیگیرانه عمل کنند. آن حضرت در دستورالعملی چنین فرموده است: «هرگز کسی را از نیازمندی او بازندارید، و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید. کسی را از درخواستش به خشم نیاورید و حاجت کسی را روا ناکرده نگذارید و کسی را از آنچه مطلوب اوست، باز ندارید.» «وَلَا تُحْشِمُوا أَحَدًا عَنْ حَاجَتِهِ وَلَا تَحْبِسُوهُ عَنْ طَلِبَتِهِ»: (دستی، ص ۵۶۵) «نظام حکومتی نباید به گونه‌ای باشد که مردم سردرگم، معطل و سرگردان شوند. حبس کردن امور و متوقف ساختن کارها از بزرگ‌ترین آفات نظام حکومتی و اداری است که جز با روحیه پیگیری جدی رفع نمی‌شود.» (شرح مختصر نامه امیرالمومنین به مالک اشتر)، سایت مؤسسه تحقیقات نشر معارف اهل بیت).

۲- شناسایی شرایط موجود حکومت اسلامی: از دیگر موارد اختیارات کارگزاران، شناسایی شرایط موجود حکومت اسلامی است. در حکومت اسلامی، کارگزار باید از وضعیت و موقعیت سازمان تحت امر خود دائماً اطلاع داشته باشد و آنچه که اهمیت دارد را مشخص سازد و بین اهم و مهم، اولویت را به مهم بدهد. امام علی (علیه السَّلام) به این مسئله توجه ویژه ای دارند. حضرت معتقد است که نقش خود مدیر در کسب اطلاعات از وضعیت موجود و مسئله‌یابی بسیار مهم می‌باشد.

حضرت علی (علیه السلام) درباره انجام دادن هر کاری در زمان خود می‌فرماید: «پس هر چیز را به جای خود بگذار و هر کاری را در وقت آن انجام ده». «فَضَعَ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ، وَ أَوْقَعَ كُلَّ عَمَلٍ مَوْقِعَهُ»: (دستی، ص ۵۹۱).

۳- ارائه راه حل‌های مختلف و گزینش بهترین راه: از جمله اختیارات کارگزاران از منظر امیرالمومنین ارائه راه حل برای حل مشکلات است. وظیفه کارگزار این است که در حل آن مشکل بکوشد. از ابعاد مختلف ممکن است راهکارهایی را مشخص سازد یا به تنهایی به آن دسترسی پیدا کند، یا با مشورت مشاوران و اعضای سیستم جهت حل این مسئله به آن برسد. حضرت علی (علیه السلام) در این مرحله به مشورت با دانایان اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «و درباره استوار ساختن آنچه کار شهرهای تو را منظم می‌گرداند و بر پا داشتن آنچه مردم پیش از تو برپا داشته بودند، بسیار با دانشمندان مذاکره و با راستگویان و درست کرداران گفتگو کن». «وَ أَكْثِرْ مَدَارِسَةَ الْعُلَمَاءِ، وَ مَنَافَةَ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ، وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ»: (دستی، ص ۵۷۳).

ب) ویژگی‌های انگیزشی

۱- توجه به نتایج اعمال: بر اساس فرمان‌ها و توصیه‌های امام علی (علیه السلام) به زمامداران و کارگزاران، توجه به نتایج اعمال، عامل مهمی در مهار و تنظیم رفتار فرمانروایان است. آن حضرت در این زمینه می‌فرماید: «ای بندگان خدا، خداوند در روز قیامت از اعمال کوچک، بزرگ، آشکار و پنهان شما سؤال می‌کند». «فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسْأَلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادِهِ عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ، وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمَسْتُورَةِ»: (دستی، ص ۵۱۱) یعنی هر کاری در دنیا انجام دهید، در آخرت درباره آن سؤال می‌شود.

۲- برخورد عادلانه با خویشاوندان: یکی از اختیارات کارگزار، انتخاب اطرافیان و پست دادن به اشخاص است که مورد توجه امیرالمومنین است و در نامه به مالک اشتر به آن اشاره کرده است. متأسفانه یکی از مشکلاتی که در سیستم‌های اداری شاهد آن هستیم ناشی از یکسری ارتباطات خانوادگی است که در بسیاری موارد موجب ضایع شدن حقوق دیگران یا محروم شدن آنها از یکسری امور می‌شود. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند، و در معاملات انصاف ندارند. ریشه‌ی ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زبان رساند ... حق را به

صاحب حق، هر کس که باشد، نزدیک یا دور پرداز و در این کار شکبیا باش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار، گرچه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکانت فراهم آورد، تحمل سنگینی آن را با یاد قیامت بر خود هموار ساز، زیرا تحمل آن پسندیده است. (دشتی، ص ۵۸۷).

۳- شناخت اقشار گوناگون اجتماعی: از مصادیق اختیارات حاکم و کارگزار، شناخت جامع او از دنیای زمان خود و مسائل آن و تخصص‌های مختلفی است که در اقشار جامعه نیاز می باشد؛ تخصص‌هایی که مردم آن‌ها را آموزش می بینند و باید برای بهتر اداره کردن حکومت، به طور متعادل و مناسب از آن‌ها استفاده گردد. در این مورد امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر می فرماید: «ای مالک بدان که مردم از گروه‌های گوناگونی می باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگری بی نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستری، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران و نیز طبقه پایین جامعه یعنی نیازمندان و مستمندان می باشند که خداوند برای هر یک سهمی مقرر داشته و مقدار واجب آن را در قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است. پس سپاهیان به فرمان خدا پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راه‌های امنیت کشورند. امر مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز با خراج و مالیات رعیت انجام نمی شود...» (دشتی، ص ۵۷۳).

نتیجه‌گیری

از مطالبی که در این نوشتار بیان شد، جواب سوالات مدنظر خود را به دست می آوریم. ریشه اصلی و سیاسی تمدن سازی در حکومت اسلامی، از منظر امیرالمومنین علی (علیه السلام) کارگزاران و مسئولین هستند. برای تمدن سازی باید کارگزارانی روی کار بیایند که دارای ویژگی‌های مدنظر امیرالمومنین باشند، در مرحله دوم باید به وظایف خود در قبال اسلام و مردم عمل کنند و در مرحله سوم باید در استفاده از اختیارات خود و قدرت نفوذ خود کمال دقت را داشته باشد و از قدرت خود سوء استفاده نکنند. این سه مرحله مهم در مورد کارگزاران از دیدگاه امام علی (علیه السلام) می باشد. اگر در جامعه اسلامی طبق این دستورات حضرت جلو برویم و از کارگزاران مدنظر امیرالمومنین استفاده کنیم، تمدن اسلامی و علوی در جامعه شکل خواهد گرفت. از مهم‌ترین سیاست‌های حضرت در قبال کارگزاران این بود که در عزل و نصب‌های خود هیچگاه مسئله رفاقت و خویشاوندی

را مدنظر قرار نمی دادند و روش سیاستمداران دنیاپرست را که تنها در راستای بقای حکومت خود عمل میکردند، نداشتند، بلکه تنها به رضای خدا می اندیشیدند و مصلحت مردم را در نظر داشتند. اما اگر بخواهیم در نگاه کلی، جمهوری اسلامی را مورد ارزیابی قرار دهیم، خواهیم یافت که به هیچ وجه کارگزاران و مسئولین جمهوری اسلامی شباهتی با کارگزاران مدنظر امیرالمومنین ندارند، از طرفی کشور ما ادعای حکومت علوی را دارد و همه دنیا، چه دوست و چه دشمن نگاه به ما چشم دوخته اند که کشوری که ادعای اسلامی و علوی بودن را دارد چگونه اداره می شود و چشم اندازش برای آینده چگونه است. کشور ما از قدرت های مهم منطقه و جهان محسوب می شود که سایر کشورهای اسلامی تمایل به ارتباط فرهنگی با ما هستند، و دشمنان هم به دنبال متوقف کردن و منحرف کردن ما از راه اصلی مان را دارند. پس با این حساسیت باید در حفظ این حکومت تلاش کرد. نباید این را فراموش کرد که چشم مستضعفین جهان به کشور ما دوخته شده است. حکومت ما از معدود حکومت های شیعی بعد از حکومت امیرالمومنین علی (علیه السلام) است. برای به دست آمدن این حکومت خون دلها خورده شده و شهدای زیادی تقدیم شده است. نتیجه آن که اگر مجموعه ویژگیها و وظایف و نحوه استفاده از اختیاراتی که حضرت در مورد کارگزاران خود بر آنها تأکید کرده اند، در حکومتی جمع باشد و از طرفی نظارت مستمر جهت تداوم این راه و منحرف نشدن از مسیر اصلی و تعامل مطلوب با مردم وجود داشته باشد، یقیناً می توان به ایجاد تمدنی اسلامی در جامعه امیدوار بود. بدیهی است که تنها در این صورت است که مردم به اینگونه نظامها روی می آورند و تداوم آنها میخواهند و گرنه دیری نمی پاید که پایه های نظام حاکم از درون سست و متلاشی و زمینه های زوال و فروپاشی آن فراهم میشود و آن حکومت محکوم به سقوط خواهد شد.

منابع و مأخذ:

الف) کتابها

قرآن کریم

نهج البلاغه

پهلوان، چنگیز، فرهنگ و تمدن، چاپ اول، تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۸.

تافلر، الوین، به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، چاپ اول، تهران: انتشارات سپهر، ۱۳۷۶.

جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ نهم، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.

حجازی، فخرالدین، نقش پیامبران در تمدن انسان، چاپ سوّم، بی‌جا، انتشارات بعثت، ۱۳۵۰.

حسینی اصفهانی، مرتضی، کارگزاران شایسته در اسلام، چاپ اول، قم: انتشارات فرهنگ قرآن، ۱۳۸۴.

خمینی، روح‌الله، کشف‌الاسرار، چاپ اول، قم: انتشارات آزادی، ۱۳۵۷.

دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، چاپ سوّم، قم، انتشارات لاهیجی، ۱۳۷۹.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، چاپ دوّم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.

شریفی، احمد حسین، آیین زندگی، چاپ صد و چهل و نهم، قم: انتشارات معارف، ۱۳۹۶.

طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۴.

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، چاپ هفتم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.

معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ دهم، تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۷۵.

واتقی، قاسم، اخلاق در مدیریت، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.

ب) مقالات

حسینیانی، فاطمه، زمینه‌های شکل‌گیری تمدن و فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از نظر رهبری، برگرفته از همایش ملی تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی،

تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۶مهر ۱۳۹۶.

فلاح سلوکلابی، محمد، سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی (علیه السلام)، مجله معرفت، شماره ۹۳، ۱۳۸۴.

(ج) سایت ها:

۲۰. سایت موسسه تحقیقات نشر معارف اهل بیت، شرح مختصر نامه امیرالمومنین علی (ع) به

مالک اشتر، به نقل از پایگاه تبیان، ۱۳۹۵، (<http://ahlolbait.com>).